



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۵ / ۰۱ / ۱۷

یونس نگاه

## پیروزی‌هایی که ناکامی‌ست

پنجشنبه، شانزدهم ماه جنوری ۲۰۲۵، هنگامی که این یادداشت را می‌نویسم طرف‌های جنگ روی ویرانه غزه زخم‌های همدیگر را می‌شمارند و برسر تقسیم «پیروزی» دعوا دارند. با آن‌که سخن از توافق نهایی برسر آتش‌بس می‌رود، اما دو طرف از آخرین فرصت جنگ، برای کشتار و تخریب استفاده می‌کنند. اسرائیل مدعی پیروزی است و برای ادعایش دلایلی دارد. مثلاً می‌گوید ده‌ها هزار نفر را در غزه کشته‌ایم، شهرها را به خاک یکسان کرده‌ایم و گروهی از رهبران و قومندان‌های حماس را از میدان حذف کرده‌ایم. اسرائیلی‌ها می‌گویند جنگ غزه فرصت شد تا به متحدان حماس از بیروت تا تهران ضربات کاری بزنیم، طوری که گمان نمی‌رود در آینده نزدیک آن رشته‌های اتحاد به پختگی قبل از هفتم اکتوبر ۲۰۲۳ برسد. اسرائیل مدعی‌ست که در این جنگ تفوق بیش‌ازحد تکنالوجیک و اطلاعاتی خود را ثابت کرده است.

حماس می‌گوید که ما پیروز جنگ‌ایم، چون مساله فلسطین را که به‌فراموشی سپرده می‌شد دوباره سرخط خبرها ساختیم، اسرائیل را که به اطلاعات و مصونیت نظامی مشهور بود، با حمله هفتم اکتوبر تحقیر کردیم. آنان می‌گویند در جریان جنگ، قصاوت اسرائیل در انجام کشتار و تخریب، رژیم آن کشور را بدنام کرد. اسرائیل نمایشگاه بربریت به‌راه انداخته بود و تصاویر خشونت‌اش به‌طور کم‌پیشینه هر روز و هر شب در رسانه‌ها تبلیغ می‌شد. اکنون اسرائیل در شرق و غرب چون آدمکش شهرت یافته است. حماس می‌گوید، اسرائیل در نابودی سازمان و دستگاه نظامی ما ناکام مانده و ما هنوز در غزه رقیب نداریم.

استدلال هیچ یکی از دو سوی جنگ را نمی‌توان نادیده گرفت. احتمالاً برای سال‌های آینده در اسرائیل و فلسطین این جنگ تجلیل خواهد گردید، و در دوسوی جبهه «قهرمانان» بسیاری در ادارات و خانه‌ها چون اشخاص مقدس احترام خواهند شد.

در جنگ خانه‌ها ویران می‌شوند، آدم‌ها کشته می‌شوند و آرزوهای مردم نابود می‌گردند. در عین حال ممکن است یکی از طرف‌های جنگ تضعیف شود، امکانات‌اش را از دست دهد، ولی در عوض محبوبیت و قدرت نرم به‌دست آورد. شاید طرف شکست‌خورده فرصت مظلوم‌نمایی پیدا کند و زشتی‌هایش در برابر ستم‌های طرف پیروز کمرنگ شود. اما، این جنگ‌ها بر مردم و سرمایه‌های جمعی جامعه آسیب‌های جبران‌ناپذیر

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

بهجا می‌گذارد، و اگر منصفانه قضاوت شود پیروزی‌هایش نیز ناکامی‌ست. در غزه و اسرائیل ارزش‌های زیادی در این جنگ نابود و رشته‌های بسیاری پاره شدند.

در جنگ طولانی افغانستان نیز بازیگران داخلی و خارجی، هرکدام در مرحله‌ای مقداری از طعم شکست یا پیروزی را چشیده است. آخرین بار میدان «پیروزی و شکست» در ماه اگست ۲۰۲۱ دست‌به‌دست شد. گروهی از سیاست‌مدارانی که زیر چتر جمهوری اسلامی به‌توافق نسبی رسیده و مشغول تقسیم چوکی و منافع بودند، میدان را رها کرده به‌گوشه‌های خزیدند یا از وطن بیرون رفتند. گروه دیگری زیر پرچم سیاه‌وسفید طالبان به قدرت برگشته و اداره کشور را به‌دست گرفتند. ظاهراً طالبان پیروز میدان شدند، ولی مقامات جمهوری اسلامی نیز در ماه اگست ۲۰۲۱ دوره‌ای را آغاز کردند که کمتر از پیروزی نبود. خیلی از بازیگران جمهوری اسلامی در عمل نه تنها نقشی در شکل‌گیری و تقویت دموکراسی نداشتند بلکه با دسیسه‌بازی، قاچاق‌بری، رای‌دزدی، باندهازی و رشوت‌ستانی خوره نظام شده بودند و از مردم قربانی می‌گرفتند. آنان سرمایه‌های هنگفت را دزدیدند و در داخل افغانستان قصرهای افسانه‌ای ساختند، دارایی‌های ملی و املاک دولتی را غارت کردند، و در بانک‌های خارج مبالغ بسیاری را اندوختند. اکنون آن «شکست‌خوردگان» در گوشه و کنار دنیا مشغول حیف و میل دارایی‌های غارت‌شده اند و دوره عزلت سیاسی خود را در رفاهی به‌سر می‌برند که با بودیجه، دست‌رخوان و عواید افغانستان هیچ تناسب ندارد. در سال‌های پایانی جمهوری اسلامی هزاران مقام و متنفذ بلندپایه و میان‌پایه در سراسر دست‌رخوان دولت دوسیه‌دار شده بودند. دسته‌های دزدان و غارت‌گران علیه همدیگر اسناد و دوسیه‌های بسیار گردآوری کرده بودند و در حافظه اداری کشور رد پای جنایات و غارت‌گری‌شان به تکرار ثبت شده بود. نهادهای بسیاری زیر بار آن همه دزد و جنایت‌پیشه و غارت‌گر از نفس افتاده بود، و آمدن طالب در واقع طوق لعنت «دولت‌داری» را از گردن این گروه از اشخاص بدکردار دور کرد. احتمالاً عده‌ای از آنان وقتی در روزهای آخر حضورشان در افغانستان به سمت میدان‌های هوایی می‌رفتند و دوسیه‌های شدیداً آلوده و دفاتر بربادرفته را بهجا می‌گذاشتند، نفس راحت می‌کشیده‌اند. طالبان، آن جماعت افتاده در باتلاق حاصل از بدکرداری را نجات داد، و این پیروزی بزرگی برای دولت‌مردان و دولت‌زنان آلوده دوران جمهوری اسلامی بود.

رهبران و مدیران ارشد جمهوری اسلامی در سال‌های پایانی حکومت مشروعیت اخلاقی و سیاسی را از دست داده بودند، و رابطه‌شان با توده مردم به‌حداقل رسیده بود. جز تعدادی از افراد استثنایی، باقی قدرت‌مندان و متنفذان جمهوری اسلامی نزد مردم روی نداشتند و در دفتر و خانه و جاده احساس خودی و امنیت نمی‌کردند. با آمدن طالبان، طوق لعنت به‌گردن امارتی‌ها افتاد و حالا سیاست‌مداران مخالف، حتی دزدها و دلالان مشهور سیاسی آن سال‌ها از جمهوریت و دموکراسی سخن می‌گویند، و با نقد طالبان خود را «خوب» جلوه می‌دهند. آنانی که معاش معلمان را می‌زدیدند، بودیجه‌های شفاخانه و سرک‌سازی را چور می‌کردند، و آنانی که معاش سربازان را دالر کرده به خارج انتقال می‌دادند و صندوق‌های رای مردم را می‌زدیدند،

اکنون از زنستیزی و دیگر عقب‌ماندگی‌ها و جنایات طالبان برای سفیدنمایی کارنامه سیاسی خود بهره می‌گیرند. حاکمیت طالبان برای آنان فرصتی مهیا کرده که کمتر از پیروزی نیست. در آن سوی البته طالبان نیز دلایل بسیار برای پیروزی دارند. آنان کشوری را تسخیر کرده و نظام خودکامه‌ای راه انداخته‌اند که در آن جز اطاعت و تصدیق هیچ حقی به توده مردم و مخالفان داده نمی‌شود. ادارات و دارایی‌های ملی را غنیمت‌وار بین «مجاهدین» تقسیم کرده‌اند، و از سیر و گرسنه‌های عشر و مالیه می‌گیرند. معادن، ملکیت‌ها و دیگر دارایی‌های ملی را قبضه کرده‌اند، و عده‌ای از کشورهای منطقه و قدرت‌های بزرگ آشکار و پنهان با پول و اطلاعات از آن‌ها حمایت می‌کنند. با این حال ترس فروپاشی و از دست‌دادن این غنایم نیز از آغاز «فتح» طالبان را فرا گرفته بود. بیش از سه سال سرکوب مردم، بستن دریچه‌های حداقلی آزادی، تخریب نهادها، تبعیض و شکنجه چهره‌های امارت طالبان را در سراسر جهان و میان اقشار مختلف افغان‌ها رسواتر از پیش کرده است. این چند سال «پیروزی» طالبان نمایشگاه ناکامی امارت قرون وسطایی در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی شده و اکنون بیش از هر زمان دیگر شکست آن امارت سیاه‌وسفید محتوم به‌نظر می‌رسد. پیروزی طالبان، فرصتی شده است تا جامعه ما ضرورت دولت مبتنی بر قرارداد اجتماعی و فارغ از اوهام فرقه‌ای و مذهبی را با هزینه‌های ملموسی چون گرسنگی، بی‌کاری، بی‌تعلیمی، بی‌اعتباری سیاسی و فرهنگی احساس کنند.



آرشیف: نویسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین